



چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

۲۶۲۱

رسانا

خبرنامه روزانه سندیکای صنعت برق ایران

- دعوت به همکاری
- ۴ ◀.....
- ۵ ◀..... داروی نجات صنایع از کرونا.
- ثبت سفارش کالاهای مشابه تولید داخل، ممنوع می شود.....
- ۶ ◀.....
- استراتژی بنگاه‌ها در عبور از بحران کرونا.....
- ۷ ◀.....
- رفع تعهد ارزی صادرات سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود.....
- ۸ ◀.....
- تصمیمات دولت عراق در مورد کاهش آثار منفی شیوع ویروس کرونا.....
- ۸ ◀.....
- ۹ ◀.....
- ۱۰ ◀.....

علیرضا اسدی، معاون پژوهشی سندیکای صنعت برق در گفت و گو با روزنامه شرق:

چگونه صنعت برق سرمایه‌گریز شد



رفتارهای شبه‌کارتلی شرکت‌های توزیع که مجموعه‌هایی به‌ظاهر خصوصی هستند در بورس انرژی امکان رقابت سالم میان نیروگاه‌های خصوصی و دولتی را به حداقل می‌رساند و این رفتارها زمینه سرمایه‌گریزی صنعت برق را فراهم کرده است.

تعارض منافع از این نظر که رانت و فساد ایجاد می‌کند، یکی از مباحثی است که مورد توجه سیاست‌گذاران و قانون‌نویسان قرار دارد. تعارض منافع در اشکال مختلف بروز می‌کند و یکی از اشکال آن اشتغال نیروهای دولتی در بخش خصوصی است که می‌تواند منجر به بروز فساد شود.

به اعتقاد علیرضا اسدی، معاون پژوهشی سندیکای صنعت برق، این شکل از تعارض منافع در قالب جذب مدیران بازنشسته وزارت نیرو در شرکت‌های شبه‌دولتی و خصوصی رخ می‌دهد. البته او در گفت‌وگو با «شرق» از دو وجه تعارض منافع در وزارت نیرو پرده برمی‌دارد که نام آنها را تعارض منافع افقی و عمودی گذاشته است. تعارض منافع

اقتصاد

«شرق» از تعارض منافع در وزارت نیرو گزارش می دهد

چگونه صنعت برق سرمایه گریز شد



نبود شفافیت است. اگر کارمندان دولت در اتاق شیشه‌ای کار کنند و مراودات مالی افراد قابل دیدن باشد، مشکلات حداقل برای بخشی از ناظران حل می شود. به ویژه انتشار اطلاعات مالی بنگاه‌های دولتی به این مسئله کمک می کند زیرا معمولا این اتفاق در بنگاه‌های دولتی می افتد. در بخش ستادی و بدنه وزارتخانه‌ها کمتر این اتفاقات رخ می دهد. معمولا در شرکت‌های دولتی که جریان مالی مستقلی دارند و یک ظرفیت مستقل از بودجه عمومی دارند، شاهد چنین مسائلی هستیم. آنجا به واسطه اینکه سیستم حسابداری

لیلا مکن: تعارض منافع از این نظر که رانت و فساد ایجاد می کند، یکی از مباحثی است که مورد توجه سیاست‌گذاران و قانون‌نویسان قرار دارد. تعارض منافع در اشکال مختلف بروز می کند و یکی از اشکال آن اشتغال نیروهای دولتی در بخش خصوصی است که می تواند منجر به بروز فساد شود. به اعتقاد علیرضا اسدی، معاون پژوهشی سندیکای صنعت برق، این شکل از تعارض منافع در قالب جذب مدیران بازنشسته وزارت نیرو در شرکت‌های شبه دولتی و خصوصی رخ می دهد. البته او در گفت‌وگو با «شرق» از دو وجه تعارض منافع در وزارت نیرو برده برمی دارد که نام آنها را تعارض منافع افقی و عمودی گذاشته است. تعارض منافع افقی در زنجیره تولید و بین شرکت‌های شبه دولتی به عنوان پیمانکار با بخش خصوصی تأمین‌کننده تجهیزات رخ می دهد و تعارض منافع عمودی را عموما در بازار خرید و فروش برق شاهد هستیم. آنطور که اسدی می گوید: رفتارهای شبه کارتلی شرکت‌های توزیع که مجموعه‌هایی به ظاهر خصوصی هستند در بورس انرژی امکان رقابت سالم میان نیروگاه‌های خصوصی و دولتی را به حداقل می رساند و این رفتارها زمینه سرمایه‌گریزی صنعت برق را فراهم کرده است. مشروح گفت‌وگو با علیرضا اسدی، معاون پژوهشی سندیکای برق را در ادامه می خوانیم.

افقی در زنجیره تولید و بین شرکت‌های شبه دولتی به عنوان پیمانکار با بخش خصوصی تأمین‌کننده تجهیزات رخ می دهد و تعارض منافع عمودی را عموما در بازار خرید و فروش برق شاهد هستیم. آنطور که اسدی می گوید: رفتارهای شبه کارتلی شرکت‌های توزیع که مجموعه‌هایی به ظاهر خصوصی هستند در بورس انرژی امکان رقابت سالم میان نیروگاه‌های خصوصی و دولتی را به حداقل می رساند و این رفتارها زمینه سرمایه‌گریزی صنعت برق را فراهم کرده است.

مشروح گفت‌وگو با علیرضا اسدی، معاون پژوهشی سندیکای برق را در ادامه می خوانیم.

نمونه‌ای از اشتغال هم‌زمان مدیران وزارت نیرو در بخش خصوصی و پست دولتی را می شناسید؟

در بازنشسته‌های وزارت نیرو این موارد را دیده‌ام اما اینکه هم‌زمان افراد شاغل در وزارت نیرو در بخش خصوصی هم فعال باشند، فکر می کنم خیلی محدود است. حداقل مورد خاصی مد نظر من نیست.

بازنشسته‌هایی که در بخش خصوصی فعال می شوند و قبلا پست دولتی داشته‌اند، چه تأثیری روی عملکرد و تصمیمات بخش دولتی می گذارند. این افراد اساسا قابلیت تأثیرگذاری بر تصمیمات را دارند؟

این یک عارضه است و خطر دوگانه دارد. از یک سمت کسی که قبلا مشاغل دولتی داشته است، با فضای سیاستگذاری آشناست بنابراین امکان دسترسی بهتر به نوعی شبه‌رانت ایجاد می کند. اگر فرد بلافاصله پس از خروج از دستگاه اجرایی، وارد بخش خصوصی شود، شبکه افرادی که قبلا با این شخص بازنشسته در تماس بوده‌اند می توانند به او در دسترسی به اطلاعات و فرصت‌های کسب‌وکار

می گویند: اما اینجا یک رفتار شبه کارتلی رخ می دهد. به آن معنا کارتل نیستند؛ اما چون گاهی می توانند توافق کنند که قیمت را به صورت یک‌جانبه تعیین کنند، می توان نام شبه کارتل بر آن نهاد. نیروگاه‌ها نمی توانند برق تولیدی خود را به جایی دیگری بفروشند. تنها بازار آنها خرده‌فروشان یا شرکت‌های توزیع برق هستند. شرکت‌های توزیع وقتی با هم هماهنگ می کنند که امروز در بورس انرژی قیمت برق را ۲۵ تا ۳۰ تومان در نظر بگیرند، نیروگاه‌دار چاره‌ای ندارد؛ جز اینکه محصولش را بفروشد؛ زیرا بازار جایگزینی ندارد. این مسئله به تولیدکننده فشار می آورد. هر جا که نیروگاه بخش خصوصی بخواهد مقابله‌ای انجام دهند؛ با ارتباطی که خریدارها یعنی شرکت‌های توزیع با نیروگاه بخش عمومی دارند، زمینه حذف نیروگاه خصوصی را فراهم می کنند؛ یا جاهایی که بازدهی نیروگاه دولتی به خاطر فرسودگی و قدیمی بودن پایین تر است، در زمان‌هایی که پیک نیست (مثلا در زمستان) برای بخش نیروگاه دارای رقابت خیلی شدیدتر می شود و به واسطه ارتباطی که بخش خریدار و فروشنده دارد، اولویت اصلی را در خرید برق بخش خودش قرار می دهد؛ بنابراین یک تعارض منافع افقی وجود دارد، به واسطه اینکه بین شرکت‌های توزیع و خرده‌فروشی برق شبه دولتی هستند. قاعدتا باید یک داور یا رگولاتور که در هیچ یک از این بخش‌ها منافع نداشته باشد، این رقابت را منصفانه کند. دولت چون در

می تواند از مهارت‌های خود استفاده کند. در زمینه منع اشتغال افراد در بخش دولتی و خصوصی به صورت هم‌زمان دستورالعملی در وزارت نیرو وجود دارد؟

خیلی دقیق بررسی نکرده‌ام، اما تا حدی که می دانم دستورالعمل‌های وزارت نیرو خیلی کلی است. مثل بقیه دستگاه‌های اجرایی همان قانون منع مداخلات کارکنان را اجرا می کنند؛ یعنی کارمند دولت به عنوان سهام‌دار در بخش خصوصی نمی تواند فعالیت کند. در این قانون بیشتر بحث تعارض منافع از جنس مالکیت مطرح است. قانونا کارمندان دولت

می شود. این مسئله به سبب سهم بزرگ بنگاه‌های دولتی در اقتصاد ایران و نهادهای حاکمیتی است. بازنشستگان به دلیل حضور در سطوح تصمیم‌گیری یک سرمایه تخصصی هم هستند و ظرفیت‌های مدیریتی به حساب می آیند. این جنبه مثبت به کارگیری این افراد است و نمی توان یکسره به کارگیری بازنشستگان را رد کرد. اما در کشورهای مختلف برای جلوگیری از رانت‌های احتمالی قوانینی وجود دارد؛ مثلا فرد بلافاصله بعد از بازنشستگی از شغل دولتی نمی تواند در بخش خصوصی کار کند، اما با گذشت یک دوره زمانی مثل شهروندان عادی

مجاز نیستند سهام‌داری بخش خصوصی را بکنند یا مدیرعاملی آن را به عهده بگیرند، اما به‌عنوان شخص حقیقی مرادفات مالی با بخش خصوصی دارند. یک مقدار که این روابط جابه‌جا شود، ممکن است تبدیل به رشوه شود اما این رشوه سفید است. ظاهرش این است که فرد مشاوره داده، اما در باطن ممکن است نوعی فساد مالی هم به همراه داشته باشد. این مراقبت‌ها تا حدی در وزارت نیرو هم مثل بقیه تشکیلات کشور می‌شود اما حقیقتاً خبر ندارم دستورالعمل خاصی در این زمینه وجود دارد یا نه. گروه‌های ذی‌نفعی که از تعارض منافع منتفع می‌شوند، مقابل تلاش‌ها برای کنترل این وضعیت ایستادگی می‌کنند. به نظر شما چه اقدامی برای تعارض منافع در قالب اشتغال هم‌زمان می‌توان انجام داد؟

به نظر من باید یک قدم عقب‌تر آمد. چیزی که بیشتر منبع فساد است، نبود شفافیت است. اگر کارمندان دولت در اتاق شیشه‌ای کار کنند و مرادفات مالی افراد قابل دیدن باشد، مشکلات حداقل برای بخشی از ناظران حل می‌شود. به‌ویژه انتشار اطلاعات مالی بنگاه‌های دولتی به این مسئله کمک می‌کند زیرا معمولاً این اتفاق در بنگاه‌های دولتی می‌افتد. در بخش ستادی و بدنه وزارتخانه‌ها کمتر این اتفاقات رخ می‌دهد. معمولاً در شرکت‌های دولتی که جریان مالی مستقلی دارند و یک ظرفیت مستقل از بودجه عمومی دارند، شاهد چنین مسائلی هستیم. آنجا به‌واسطه اینکه سیستم حسابرسی برای شخص بیرونی شفاف نیست - وگرنه یکسری حسابرسی داخلی وجود دارد. ذی‌حسابی و دیوان محاسبات وجود دارد- و همه اطلاعات بسته بوده و منتشر نمی‌شود، مکانیسم‌های بازدارنده عمل نمی‌کنند. مکانیسمی به نام پاداش منفی به این مفهوم وجود

دارد که اگر فرد بداند دیگران متوجه خواهند شد که او در یک شرکت فلان مجوز را می‌دهد و هم‌زمان در شرکت دیگر مشاور است، این شفافیت باعث می‌شود که شخص مورد نظر تخلفی انجام ندهد. در سازوکارهای سازمان برنامه‌بودجه هم در بحث ارزیابی و رتبه‌بندی شرکت‌های پیمانکار و مشاور، یک مراقبت‌هایی انجام می‌شود. مثلاً پیمانکار و مشاور می‌خواهند با دولت قرارداد ببندند، نمی‌توانند افراد کلیدی خود را از بدنه دستگاه‌های دولتی انتخاب کنند؛ ولی با این‌همه، مرادفات مالی وجود دارد.

در وزارت نیرو اشکال دیگری از تعارض منافع وجود دارد؟

تعارض منافع اساساً بین بخش عمومی و بخش خصوصی در صنعت برق است. ما دو گونه تعارض منافع جدی در صنعت برق داریم. یک تعارض منافع عمودی به این معنا که دولت به‌عنوان حکمران و سیاست‌گذار حوزه انرژی، باید نقش کنترل بازار و بهینه‌شدن منافع عمومی را دنبال کند اما هم‌زمان خودش به‌عنوان بازیگر و فعال اقتصادی یعنی تأمین‌کننده انرژی یا بنگاه‌دار یا متصدی امور اقتصادی هم فعالیت می‌کند. این دو نوع فعالیت باهم یک تعارض جدی دارد. دولت آن وقت قواعدی را که باید بی‌طرفانه بنویسد، در جهت منافع بنگاه‌های خودش هدایت می‌کند. بنگاه‌های دولتی هم از طریق چانه‌زنی و دسترسی به مقام سیاست‌گذار، در وزارت نیرو منافع بیشتری را برای بنگاه دولتی خود دنبال می‌کنند.

این بنگاه‌های دولتی را می‌توانید نام ببرید؟ این بنگاه‌ها به ظاهر خصوصی شده‌اند؟

دو دسته بنگاه دولتی در وزارت نیرو وجود دارد. یکی آنهایی هستند که سهامشان صد درصد

دولتی است. مثل شرکت‌های برق منطقه‌ای یا شرکت‌های مادر تخصصی که سهام مستقیم و کاملاً دولتی دارند. یک بخش شبه‌دولتی هم داریم مثل شرکت‌های توزیع که اینها اگرچه سهامشان با واسطه به مجموعه عمومی و دولتی وصل می‌شوند اما حکمرانی شرکتی آنها یعنی مجمع عمومی هیئت‌مدیره و مدیرعامل، کاملاً در کنترل وزارت نیرو است. مدیران عامل شرکت‌های توزیع را وزارت نیرو تعیین می‌کند. نهایتاً این مجموعه‌ها را می‌توان شبه‌دولتی یا خصوصیتی یا نهاد عمومی مشابه شهرداری در نظر بگیریم.

درباره تعارض منافع افقی توضیح می‌دهید؟

در تعارض منافع افقی صنعت در میان اعضای یک زنجیره تعارض منافع وجود دارد. در تولید برق و بخش نیروگاهی، دو دسته نیروگاه کاملاً دولتی و نیروگاه‌های بخش خصوصی وجود دارد. اینها با هم در رقابت هستند و بخش عمومی در رقابت با بخش خصوصی است. وزارت نیرو به شکل غیرمستقیم برای حفظ منابع نیروگاه‌های دولتی به بخش خصوصی فشار وارد می‌کند. این وزارتخانه در آنجایی که بازار خرید و فروش برق است، می‌تواند به بخش خصوصی فشار وارد کند.

دولت از طریق شرکت‌های توزیع، خرده‌فروشی برق را در کنترل دارد. وزارت نیرو برق را از نیروگاه‌داران در بورس انرژی خریداری می‌کند و به‌صورت انحصاری به مصرف‌کنندگان صنعتی عمومی و خانوارها می‌فروشد. محل اعمال قدرت این وزارتخانه و ایجاد رقابت غیرمنصفانه وقتی رخ می‌دهد که خریداران برق امکان تباری کردن باهم دارند. در چنین شرایطی رفتاری رخ می‌دهد که اقتصاددان‌ها به آن کارتل می‌گویند؛ اما اینجا یک رفتار شبه‌کارتلی رخ می‌دهد. به آن معنا کارتل

نیستند؛ اما چون گاهی می‌توانند توافق کنند که قیمت را به صورت یک‌جانبه تعیین کنند، می‌توان نام شبه‌کارتل بر آن نهاد. نیروگاه‌ها نمی‌توانند برق تولیدی خود را به جایی دیگری بفروشند. تنها بازار آنها خرده‌فروشان یا شرکت‌های توزیع برق هستند. شرکت‌های توزیع وقتی با هم هماهنگ می‌کنند که امروز در بورس انرژی قیمت برق را ۲۵ تا ۳۰ تومان در نظر بگیرند، نیروگاه‌دار چاره‌ای ندارد؛ جز اینکه محصولش را بفروشد؛ زیرا بازار جایگزینی ندارد. این مسئله به تولیدکننده فشار می‌آورد. هر جا که نیروگاه بخش خصوصی بخواهند مقابله‌ای انجام دهند؛ با ارتباطی که خریدارها یعنی شرکت‌های توزیع با نیروگاه بخش عمومی دارند، زمینه حذف نیروگاه خصوصی را فراهم می‌کنند؛ یا جاهایی که بازدهی نیروگاه دولتی به خاطر فرسودگی و قدیمی بودن پایین‌تر است، در زمان‌هایی که پیک نیست (مثلاً در زمستان) برای بخش نیروگاه دارای رقابت خیلی شدیدتر می‌شود و به واسطه ارتباطی که بخش خریدار و فروشنده دارد، اولویت اصلی را در خرید برق بخش خودش قرار می‌دهد؛ بنابراین یک تعارض منافع افقی وجود دارد، به واسطه اینکه بین شرکت‌های توزیع و خرده‌فروشی برق شبه‌دولتی هستند. قاعدتاً باید یک داور یا رگولاتور که در هیچ‌یک از این بخش‌ها منافع نداشته باشد، این رقابت را منصفانه کند.

دولت چون در بخشی از تولید و خرده‌فروشی منافع دارد -البته اسمش منافع عمومی است؛ اما ذی‌نفع است- نتیجه این است که عملکرد حکمرانی و نقش بی‌طرفانه تنظیم‌گری بازار را به‌درستی انجام نمی‌دهد؛ به‌همین دلیل در بخش تولید بخشی از دستورالعمل‌های قیمت‌تاکنون اجرا نشده است. بخشی از مطالبات با تأخیر پرداخت می‌شود؛ زیرا



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

دعوت به همکاری

سندیکای صنعت برق ایران به منظور تامین نیروی انسانی برای کمیته حقوقی و قراردادی و انجام امور کارشناسی روابط کارفرما و پیمانکار از متقاضیان واجد شرایط دعوت به همکاری می‌نماید:

رشته‌های تحصیلی مورد نیاز:

کارشناسی حقوق و مدیریت بازرگانی و رشته‌های زمینه شامل مهندسی برق و مهندسی صنایع (داشتن تجربه و یا گواهینامه آموزش‌های کاربردی مرتبط با امور حقوقی و قراردادی برای رشته‌های زمینه‌ای ضروری است)

• مهارت‌های عمومی و تخصصی

- آشنایی با مفاهیم و مبانی علمی حوزه‌ی همکاری از جمله حقوق تجارت و تدوین قراردادها، قوانین مالیات و بیمه تامین اجتماعی و ...
- تسلط بر نرم افزارهای Office (شامل Word، Excel و PowerPoint)
- تسلط بر اصول مکاتبات و مستندسازی
- توانایی تدوین گزارش کارشناسی
- کار با اینترنت و وبسایت‌های تعاملی و شبکه محلی
- زبان انگلیسی (خواندن و درک متون انگلیسی)
- داشتن سابقه کار مرتبط مزیت به شمار می‌رود.

• ویژگی‌های فردی:

- مسئولیت پذیری بالا و خودمدریتی
- توانایی کار تیمی و روابط عمومی خوب
- مشتاق به یادگیری و خلاقیت در کارها

متقاضیان واجد شرایط می‌توانند رزومه خود را به آدرس پست الکترونیکی data@ieis.ir ارسال نمایند.

دعوت به همکاری

سندیکای صنعت برق ایران به منظور تامین نیروی انسانی برای کمیته حقوقی و قراردادی و انجام امور کارشناسی روابط کارفرما و پیمانکار از متقاضیان واجد شرایط دعوت به همکاری می‌نماید. متقاضیان واجد شرایط می‌توانند رزومه خود را به آدرس پست الکترونیک data@ieis.ir ارسال نمایند.

بوده است. البته متغیرهای دیگر مثل متغیرهای عمومی و اقتصادی کشور هم به همراه شیوه حکمرانی وزارت نیرو منجر به این روند نزولی شده است. این مسئله سبب شده است که فعالان اقتصادی این صنعت تعداد و سهم‌شان در سال‌های اخیر افزایش پیدا نکند؛ بلکه روند نزولی هم از نظر کمی طی کند. شاهد هستیم وضعیت کارگاه‌های صنعتی که آمار آن را وزارت صمت منتشر می‌کند، از نظر تعداد و روند ایجاد اشتغال با افت مواجه بوده است.

در سطح سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌داری هم شاهد رشد نبوده‌ایم. در اسناد بالادستی باید سهم انرژی تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور افزایش می‌یافت که این مسئله اصلاً محقق نشده است یا صادرات خدمات فنی و مهندسی ما به شدت کاهش یافته است. روی صدور خدمات فنی و مهندسی بحث تحریم هم مؤثر بوده است؛ اما علاوه بر آن شیوه رفتار تبعیض‌آمیز حاکمیت درباره سرمایه‌گذار و بنگاهدار بخش خصوصی پابرجاست و جالب اینکه دست کم در دو دهه گذشته بارها از طرف نهادهایی مثل سندیکای صنعت برق و اتاق بازرگانی این موضوع منعکس شده است و مدیران وزارت نیرو در مقاطع مختلف بر آن صحنه گذاشته‌اند که باید شرایط را بهبود بدهند؛ اما در عمل روی آن اقدامی انجام نشده است. تا وقتی تعارض منافع وجود دارد، مسئولان برای رفع مسئله وارد عمل نمی‌شوند. راه حل این مشکل این است که ساختار نهادی وزارت نیرو به نحوی تغییر کند و بخش حکمرانی مستقل از بخش بنگاهداری شود. در اینجا تعارض منافع کارکنان خود را بیشتر نشان می‌دهد. مدیرانی که بازنشسته شده‌اند، وارد شرکت‌های گاهی شبه دولتی شده‌اند. این افراد به نوعی همسوتر با دولت درباره بنگاه‌هایی که ذاتاً و اصالتاً بخش خصوصی هستند، رفتار می‌کنند.

هیچ شخص بی‌طرفی برای تنظیم روابط دو طرفی که با هم منافع‌شان به صورت خودبه‌خودی تنظیم نمی‌شود، وجود ندارد. یک طرف دیگر هم در داستان تعارض منافع افقی وجود دارد و آن هم بین شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی رخ می‌دهد. این مسئله در حوزه انتقال و توزیع که بهره‌برداران شبکه و زنجیره تأمین آنها هستند، با شرکت‌های سازنده و پیمانکاری که محصولات و خدمات را به این شرکت‌های بهره‌بردار می‌فروشند، مشاهده می‌شود. آنجا هم به واسطه اینکه این شرکت‌های دولتی از طریق نهاد وزارت نیرو با هم هماهنگ رفتار می‌کنند و منافع خود را تجمیع می‌کنند، قدرت انحصار در بازار پیدا می‌کنند و به همین دلیل با چانه‌زنی کمی قواعد بازار به صورت یک‌طرفه به نفع شرکت‌های دولتی نوشته می‌شود و نقش حکمرانی دولت زیر سؤال می‌رود. ستاد وزارت نیرو باید روابط بین این مجموعه‌ها را تنظیم می‌کرد تا مبادلات منصفانه شود؛ اما از آنجاکه خود منفعی در شرکت‌های توزیع و انتقال دارد، نمی‌تواند قواعد را منصفانه برقرار کند. یکی از جاهایی که مبادلات اقتصادی منصفانه تنظیم نمی‌شود، صنعت برق است؛ به همین دلیل بنگاهدار و سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد تاجایی که امکان دارد، از این صنعت بیرون برود. به همین دلیل افزایش سرمایه‌گذاری رخ نمی‌دهد.

عملکرد وزارت نیرو چه تبعاتی برای کشور داشته است؟

خیلی واضح است که ما انتظار داشتیم در اسناد بالادستی که برنامه ششم هست، سرمایه‌گذاری در صنعت برق افزایش یابد و صادرات روند صعودی داشته باشد؛ اما کاملاً روند نزولی آن را در سال ۹۲ به بعد مشاهده می‌کنیم. هرچند در گذشته هم اگر با نرخ دلاری بخواهیم بررسی کنیم، این روند نزولی



بازوی پژوهشی مجلس با بررسی چالش‌های سال ۹۹ ارائه کرد

داروی نجات صنایع از کرونا

ویروس کرونا آثار متعددی برای اقتصاد دنیا برجای گذاشته که برخی از زمان شیوع این بیماری بروز کرده است و آسیب‌های بلندمدت اقتصادی این ویروس نیز احتمالاً در ماه‌ها و بلکه سال آینده پدیدار شود. بخش صنعت نیز از گرداب این بحران در امان نبوده است. بلاتکلیفی واحدهای تولیدی، دیون عقب افتاده، مشکلات شرکت‌های طرح‌محور و ایجاد اختلال در مراودات تجاری از جمله شوک‌هایی است که در این حوزه بروز کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی ضمن بررسی این چالش‌ها، داروی نجات صنایع از بحران ناشی از کرونا را معرفی کرده است.

شیوع ویروس کرونا آثار متعددی بر اقتصاد دنیا و به تبع آن اقتصاد ایران خواهد داشت. متناسب با ادامه روند موجود، بخش صنعت، معدن و صنایع معدنی در یک بازه کوتاه‌مدت و میان‌مدت از شیوع این ویروس به‌طور جدی متاثر خواهد شد و با توجه به همه‌گیری جهانی این ویروس و تحت تاثیر قرار گرفتن اقتصاد دنیا، آثار بلندمدت اقتصادی در ماه‌ها و بلکه سال‌های آینده پدیدار خواهد شد. «مرکز پژوهش‌های مجلس» در گزارشی آثار اقتصادی کوتاه‌مدت و میان‌مدت شیوع ویروس کرونا بر بخش تولید و تجارت را مورد بررسی قرار داده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد آثار ویروس کرونا در حوزه صنعت، از دو جنبه بین‌المللی و داخلی قابل بررسی است. در صنایع مختلف حوزه ساخت، به‌خصوص صنایعی مانند خودروسازی که قطعات پیشرفته این صنایع عمدتاً از کشور چین وارد می‌شود، ممکن است تامین قطعات را به‌خصوص در ماه‌های ابتدای سال ۱۳۹۹ با چالش عمده مواجه کند. اگرچه، شیوع ویروس کرونا موجب کاهش تقاضای خودرو در حال حاضر شده است اما پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با فروکش کردن این ویروس در انتهای فصل بهار و افزایش درخواست خودرو برای ابتدای تابستان و سفرهای تابستانی، مجدداً این بازار با رشد تقاضا روبه‌رو خواهد شد. به لحاظ داخلی، بیشترین آسیب‌پذیری واحدهای تولیدی صنعتی در اثر شیوع ویروس کرونا را می‌توان در سه بخش «دیون عقب‌افتاده واحدهای تولیدی (بانکی)، بیمه تامین اجتماعی و مالیاتی»، «بلاتکلیفی واحدهای تولیدی در اثر عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌های دولت» و «مشکلات قراردادی شرکت‌های طرح (پروژه) محور در شرایط اپیدمی» خلاصه کرد. در حوزه معدن و صنایع معدنی هم، رکود

بازارهای جهانی و کاهش تقاضا، افزایش موجودی انبارهای فلزات اساسی، روند کاهشی قیمت جهانی محصولات معدن و صنایع معدنی و ایجاد محدودیت در صادرات این محصولات به کشورهای همسایه، از جمله مهم‌ترین آثار شیوع این ویروس است. از جمله مهم‌ترین آثار شیوع این ویروس بر بازارهای محصولات معدن و صنایع معدنی می‌توان به «توقف یا کند شدن روند صادرات زمینی به برخی کشورهای همسایه مانند عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان و...»، «از دست رفتن بازارهای صادراتی در کشورهای همسایه و جایگزین شدن محصولات صادراتی ایرانی با محصولات سایر کشورها»، «تحت تاثیر قرار گرفتن صادرات دریایی محصولات معدن و صنایع معدنی»، «کاهش درآمد ارزی کشور از محل صادرات محصولات معدنی و صنایع معدنی»، «رکود بازار داخلی، کاهش مصرف داخلی محصولات معدن و صنایع معدنی و کاهش فروش تولیدکنندگان»، «تعديل نیروی کار معادن و صنایع معدنی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت» و «تحت تاثیر قرار گرفتن بازار بورس و افت ارزش سهام شرکت‌ها» اشاره کرد. در حوزه صنعت پتروشیمی، «کاهش فروش و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات»، «کاهش ارزش سهام شرکت‌های پتروشیمی»، «از دست دادن بازارهای صادراتی» و «تشديد مشکلات حمل و لجستیک» از جمله چالش‌های صنعت پتروشیمی کشور در شرایط شیوع ویروس کروناست.

چالش‌های حوزه صنعت

به‌طور کلی، شوک اقتصادی ناشی از بحران کرونا از سه جهت بر بخش تولید اثرگذار است. نخست اینکه آلودگی و اختلال در زنجیره تامین، شوک‌های مستقیمی را به تولید وارد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که

حتی کشورهایی که زبان کمتری از ویروس کرونا دیده‌اند، در تامین نهاده‌های وارداتی خود برای تولید دچار مشکل شده‌اند. دوم اینکه تاخیر و تعلل مصرف‌کنندگان و شرکت‌های تولیدی در خرید به دلیل ناطمینانی از وضعیت آینده و ضربه دیدن اقتصادهای بزرگ جهانی از قبیل چین، آلمان و آمریکا که بخش قابل‌توجهی از عرضه و تقاضای جهانی را به خود اختصاص می‌دهند، کاهش شدید تقاضا و تعمیق رکود را برای بخش تولید به همراه دارد. همچنین اختلال در عرضه مستقیم محصولات به دلیل مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا در مقاصد داخلی و خارجی کشورها، محدودیت‌هایی را برای بخش تولید ایجاد می‌کند که می‌توان به‌عنوان سومین عامل تاثیرگذار به آن اشاره کرد.

اما کرونا چه چالش‌هایی برای واحدهای تولیدی صنعتی ایجاد کرده است؟ درخصوص تاثیر ویروس کرونا بر حوزه صنعت تولیدی کشور می‌توان چهار چالش اصلی «بلاتکلیفی واحدهای تولیدی»، «دیون عقب‌افتاده واحدهای تولیدی»، «مشکلات شرکت‌های طرح‌محور» و «عدم تمایل به انجام مراودات توسط شرکای تجاری» را به‌طور مختصر مورد بررسی قرار داد. بلاتکلیفی واحدهای تولیدی: به دلیل عدم قطعیت دولت در تعطیلی یا عدم تعطیلی واحدهای تولیدی و نبود پروتکل‌های نحوه کار در شرایط اپیدمی، عملاً واحدهای تولیدی در بلاتکلیفی و نیمه‌تعطیلی به‌سر می‌برند. هر واحد تولیدی یک زنجیره تولید دارد که با عدم حضور کارگران (حتی ۲۰ درصدی نیروی کار) عملاً نمی‌تواند تولید مورد نظر را داشته باشد. اجبار به حضور سر کار نیز تبعات خاص خود را دارد.

دیون عقب‌افتاده واحدهای تولیدی: در شرایط فعلی که هم حوزه تولید و هم بازار تحت تاثیر

۵۰ دلار در نظر گرفته شده است، آن گاه با نرخ یک دلاری کنونی قیمت نفت در داخل کشور، به طور قطع، توانایی اداره نیازهای ارزی کشور را نداشتیم.

وی افزود: اقتصاد ایران به سمت جداسدن از درآمدهای نفتی پیش رفته است؛ ضمن اینکه از سال ۹۷ که خروج آمریکا از برجام صورت گرفت، تمرین‌های زیادی انجام شد تا اتکای تامین نیازهای کشور به درآمدهای صادراتی بیشتر شود. موضوع صادرات غیرنفتی، امروز دیگر یک انتخاب و یک کار تشریفاتی نیست، بلکه یک اجبار به شمار می‌رود. قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: امروز پاشنه آشیل کشور، تامین نیازهای ارزی است و حتی جهش تولیدی که رهبر معظم انقلاب به عنوان راهبرد اقتصاد ایران در سال جاری اعلام کرده‌اند نیز به صادرات گره خورده؛ این در حالی است که صادرات آنقدر اهمیت دارد که دولت بدون صادرات غیرنفتی، نمی‌تواند تولید و تجارت کشور را مدیریت کند.

جلسه شورای عالی صادرات اردیبهشت ماه برگزار می‌شود

وی تصریح کرد: در جلسه اخیری که با معاون اول رئیس جمهوری در حوزه صادرات برگزار شده، تاکید زیادی بر این امر صورت گرفته که سازمان توسعه تجارت ایران، متولی صادرات کشور است و در عین حال اعلام کرده اند که جلسات کارشناسی کارگروه توسعه صادرات به منظور پشتیبانی از جلسات شورای عالی صادرات برگزار شود. معاون اول رئیس جمهوری قول داد که در اردیبهشت ماه، یک جلسه شورای عالی صادرات برگزار شود.

وام‌های صادراتی باید به بنگاه‌های کوچک و متوسط داده شود

مدرس خیابانی با اشاره به تنوع موجود در کالاها و بازارهای صادراتی ایران گفت: هر ماه باید گزارش داد که میزان صادرات هر یک از گروه‌های کالایی در کنار میانگین ارزش صادراتی آنها، تعداد کالاها و بنگاه‌هایی که این صادرات را به ثمر رسانده‌اند، چقدر بوده است.

وی ادامه داد: منابع مالی در شرکت‌های پتروشیمی، فولاد و مس به اندازه‌ای هست که آنها بتوانند خود را بگردانند و طرح‌های توسعه‌ای خود را به ثمر برسانند، اما باید از محل وام‌های صادراتی در نظر گرفته شده، بنگاه‌های کوچک و متوسط را حمایت کرد.

تفاهم نامه اوراسیا، صادرات ما را رونق داد

مدرس خیابانی گفت: یکی از مراکز تامین نهاده‌های دامی ایران مثل ذرت و جو و یا حتی گندم، کشورهای اوراسیا مثل روسیه و قزاقستان است که ربطی به تفاهم نامه اوراسیا ندارد، بلکه صادرات ما به کشورهای اوراسیا بسیار بیشتر شده است.

قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: باید تلاش کرد که فراهم آوردن مراکز لجستیک تجاری را به عنوان یک کار زیربنایی و اصولی برای صادرات کشور پیش برد؛ این درحالی است که زیرساخت‌های تجاری در بندر چابهار و سایر بنادر کشور بی نظیر است.

وزارت خارجه برای افزایش صادرات برنامه ارایه داد

مدرس خیابانی با اشاره به برنامه‌ای که وزارت امور خارجه در حوزه افزایش صادرات و اقتصاد ارایه داده است، گفت: در حوزه رایزنان بازرگانی نیز وزارت امور خارجه دستورالعمل مشخصی صادر کرده که باید دید میزان موفقیت سفارتخانه‌ها در این رابطه چه قدر بوده و چه اقداماتی انجام شده است.

وی خواستار تدوین برنامه‌ای مشخص از سوی اتاق

بازرگانی ایران برای توسعه و رونق صادرات شد و گفت: الزامات نباید به اهداف گره زده شود، پس اتاق بازرگانی باید مشارکت جدی در حوزه تدوین برنامه داشته باشد نه این که صرفاً مطالبه‌گر باشد.

مدرس خیابانی افزود: استقرار نمایندگان تام الاختیار تجاری همچنان مغفول مانده است؛ این در حالی است که اتاق بازرگانی نیز قول داده بود که در حوزه معرفی نمایندگان تام الاختیار تجاری وارد عمل شود؛ در حالیکه این اتفاق رخ نداده است و در عین حال، ایمیدرو و ایدرو نیز هنوز اقدامی در این حوزه انجام نداده‌اند.

مدرس خیابانی گفت: اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه و سایر کشورهای اوراسیا باید وارد عمل شده تا بتوان در این کشورهای عضو اوراسیا، دفاتر تجاری داشته باشیم.

رفع تعهد ارزی تولیدکنندگان باید تسهیل شود

قائم مقام وزیر صنعت با تاکید بر ضرورت آسان سازی رفع تعهد ارزی برای تولیدکنندگان گفت: تولیدکنندگان همه جا از نظر ما استثنا است؛ این در حالی است که اگر تولیدکننده کسب درآمد داشته باشد، همه از جنس سفره کارگر و ماشین آلات خواهد شد، پس در حوزه رفع تعهد ارزی نیز باید تولید و تجارت را به صورت ویژه دید.

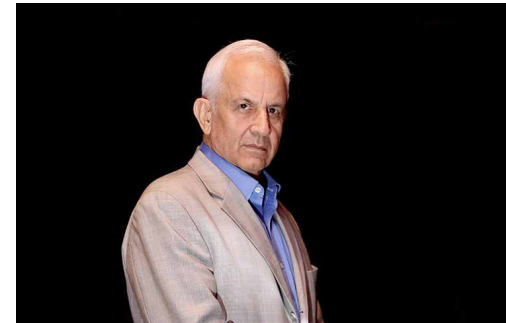
وی در خصوص هجینگ ارزی نیز گفت: هجینگ ارزی موضوع مهمی است، اما متأسفانه به دلیل نوسانات بالای نرخ ارز در ایران قابلیت اجرایی ندارد، به هر حال نمی‌توان تضمین ریسکی را کرد که ناشی از ۳۰۰ درصد نرخ تسعیر ارز است؛ چرا که نرخ دلار وقتی از ۴ هزار تومان به ۱۲ هزار تومان می‌رسد، هجینگ ندارد، در حالیکه در دنیا، نوسانات نرخ ارز متفاوت از ایران است؛ پس به نظر نمی‌رسد که هجینگ در ایران عملیاتی شود.



ثبت سفارش کالاهای مشابه تولید داخل، ممنوع می‌شود

قائم مقام وزیر صنعت با تاکید بر اینکه مدیریت واردات به جهت حمایت از تولید و صیانت از منابع ارزی در دستور کار جدی ما است، اعلام کرد: ثبت سفارش هر کالایی که مشابه تولید داخلی دارد، ممنوع می‌شود.

حسین مدرس خیابانی قائم مقام وزیر صنعت در جلسه کارگروه توسعه صادرات با بیان اینکه صادرات راه نجات کشور است، گفت: اگر قرار بود که امروز با شرایطی که پیش روی قیمت نفت به دلیل شیوع ویروس کرونا و کاهش تقاضا برای خرید نفت در بازارهای جهانی قرار گرفته است، حتی اجازه داشته باشیم که دو میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت را بفروشیم که برای آن در بودجه به ازای هر بشکه



استراتژی بنگاه‌ها در عبور از بحران کرونا

در حال حاضر که همه کشورها درگیر این ویروس هستند، دولت‌ها دو نگرانی عمده دارند؛ اول سلامت افراد جامعه و دیگری متوقف نشدن چرخه تولید و اقتصاد است که تبعات مخربی همچون بیکاری گسترده را به همراه دارد. در سطح خرد نیز بنگاه‌ها برای عبور از این شرایط، باید استراتژی‌های کاربردی و مهمی را اتخاذ کنند

ویروس کرونا چند وقتی است که به بحرانی جهانی بدل شده است. ویروسی که در مقاطع مختلف در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کند تا در نهایت تمام گروه‌هایی را که مستعد ابتلا به آن هستند درگیر خود کند. منتها هر چه کشورها بتوانند موج اول شیوع این ویروس را به خوبی کنترل کنند، باعث می‌شود تا با آمادگی بیشتری به استقبال موج‌های بعدی بروند.

البته باید گفت خطر ابتلا در هر موج جدید کاهش می‌یابد (با فرض مصونیت افراد بهبود یافته از ابتلای دوباره). اما مساله‌ای که برای همگان

آشکار شده، این است که تا وقتی واکسنی برای این ویروس تولید نشود، جهان درگیر کرونا خواهد بود. همین امر موجب شده اثرات اقتصادی آن نیز به درازا بکشد و اقتصاد جهان دچار رکودی عمیق شود. در حال حاضر که همه کشورها درگیر این ویروس هستند، دولت‌ها دو نگرانی عمده دارند؛ اول سلامت افراد جامعه و دیگری متوقف نشدن چرخه تولید و اقتصاد است که تبعات مخربی همچون بیکاری گسترده را به همراه دارد. در سطح خرد نیز بنگاه‌ها برای عبور از این شرایط، باید استراتژی‌های کاربردی و مهمی را اتخاذ کنند که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بخش‌بندی بازار: تاثیر این رکود بر تمامی ارکان اقتصادی یکسان نیست و در نتیجه رویکرد منطقی برای بنگاه‌های اقتصادی باید به این صورت باشد که تمرکز فعالیت‌های خود را بر بخش‌هایی قرار دهند که کمتر از کرونا تاثیر پذیرفته است. همچنین بخش بندی بازار آنها (market segment) باید متناسب با تاثیرپذیری بر بخش‌های صنعت‌شان از آن ویروس باشد.

احتیاط در فروش‌های اعتباری: این رکود سبب کاهش چرخش کالا شده و طبیعتاً بنگاه‌ها را دچار کمبود نقدینگی می‌کند. همین امر به اختلال در پرداخت بدهی‌ها منجر شده و به عبارتی ریسک اعتباری افزایش می‌یابد. در نتیجه اگر بنگاه‌ها بخواهند در این شرایط بر فروش‌های اعتباری تکیه کنند، ریسک بسیار فراوانی را باید متحمل شوند، مگر آنکه بانک‌ها با پشتیبانی از بنگاه‌ها، بخشی از ریسک حاصل از این فروش را به گردن بگیرند.

توجه به سلامت کارکنان: در حال حاضر به نظر می‌رسد استراتژی دورکاری بهترین راهکار برای ادامه کار کارکنان در بنگاه‌ها است. افرادی که

در هر سازمان فعالیت می‌کنند (خصوصاً اعضای کلیدی آن) سرمایه‌های آن مجموعه به حساب می‌آیند و اگر بنگاه‌ها آنها را به هر طریقی از دست بدهند، تامین و جایگزینی این نیروها مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند. بنابراین باید گفت، فارغ از بحث ارزش جان هر فرد و اهمیت حفظ آن، سلامت افراد داخل یک مجموعه سرمایه بسیار مهمی برای آن بنگاه محسوب می‌شود.

تاکید بر فعالیت‌های دیجیتال: از مهم‌ترین مواردی که برای پیشگیری از بیماری کرونا مطرح می‌شود، کاهش تماس فیزیکی و حضوری است. راهکار جایگزین برای پر کردن این خلأ، استفاده از تماس‌های تصویری و میدان دادن به فعالیت‌های دیجیتالی است. به همین خاطر هر سازمانی که توانایی بیشتری در این زمینه دارد، می‌تواند در این دوران کمتر آسیب ببیند و نسبت به بقیه رقبای خود عملکرد بهتری داشته باشد.

توسعه صادرات: با اینکه شرایط در این دوران برای صادرات بسیار سخت شده و کشور ما نیز فارغ از پدیده کرونا به علت تحریم‌ها و تبعات آن در مبادلات تجاری بین‌المللی مشکلات متعددی دارد، اما با این حال بهتر است بنگاه‌ها حتی در این دوران نیز گوشه چشمی به مساله صادرات داشته باشند تا بتوانند آن را گسترش دهند.

تغییر خط تولید: از استراتژی‌های مهم دیگری که بنگاه‌ها می‌توانند اتخاذ کنند، تغییر خط تولید کالاهایی که به علت کرونا بیشتر آسیب دیده به کالاهایی که احتیاج بیشتری به آنها در این دوران وجود دارد، است. البته این استراتژی برای همه بنگاه‌ها و صنعت‌ها امکان‌پذیر نبوده، ولی فرصتی است که باید در خود جست‌وجو کنند. در حال حاضر، بسیاری معتقدند دولت‌ها برای حفظ

موجودیت بنگاه‌ها، باید به کمک آنها آمده و با ارائه راهکارهای مناسبی همچون کاهش مالیات، به تعویق انداختن اقساط، دادن یارانه و وام‌های کم بهره، در جهت ثبات عرضه بکوشند.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که تا وقتی تقاضا تحریک نشود، نمی‌توان با تحریک عرضه، حرکت به خصوصی در اقتصاد کشور مشاهده کرد، زیرا حتی اگر بنگاه‌ها بتوانند همچون گذشته تولید کنند، تا زمانی که تقاضای قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته باشد، جلوگیری از رکود میسر نیست و تنها، سرمایه در گردش بنگاه در انبارها به دام افتاده و فشار نقدینگی بیشتری به آنها تحمیل می‌شود. اما در کل می‌توان گفت، برای کمک دولت به بنگاه‌ها نیاز است که از داده‌های موجود که شامل سنوات فعالیت بنگاه‌ها، بیمه‌های پرداخت شده، هزینه‌هایی همچون قبوض پرداختی و چنین متغیرهایی استفاده کرد تا با برآورد درست از میزان تاثیری‌پذیری آنها از کرونا، کمک بهتری به آنها کرد، تا بتوان میزان خطا را تا حد ممکن کاهش داد. بنابراین می‌توان گفت سیاست‌گذاران باید سیاست حفظ و حمایت از بنگاه‌ها را به موازات سیاست تحریک تقاضا پیش ببرند.

تقاضای کل (Aggregate Demand) دو مولفه اصلی دارد؛ مولفه اول میزان بودجه دولت است که این امر با توجه به تحریم‌ها و پایین آمدن قیمت نفت که نتیجه آن کاهش درآمدها است، دولت را مجبور می‌کند که برای فرار از ابرتورم در شرایط کنونی، از هزینه‌های اضافی خود صرف‌نظر کند. بنابراین می‌توان گفت این مولفه، در شرایط کنونی نمی‌تواند تقاضای کل را تحریک کند. مولفه دوم، سرمایه‌گذاری است. شاید بتوان گفت در این شرایط عدم اطمینان، بخش خصوصی تن به سرمایه‌گذاری

تصمیمات دولت عراق در مورد کاهش آثار منفی شیوع ویروس کرونا
 سازمان توسعه تجارت ایران تصمیمات دولت عراق در مورد کاهش آثار منفی شیوع ویروس کرونا بر زندگی شهروندان و گذرگاههای مرزی را اطلاع رسانی کرده است.
 سازمان توسعه تجارت ایران تصمیمات دولت عراق در مورد کاهش آثار منفی شیوع ویروس کرونا بر زندگی شهروندان و گذرگاههای مرزی را اطلاع رسانی کرده است.
 متن این اطلاعیه به شرح زیر است:



رفع تعهد ارزی صادرات سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود

با توافقات صورت گرفته میان بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت ایران، رفع تعهد ارزی صادرات سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود.

رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران با بیان اینکه رفع تعهد ارزی سال ۹۸ صادرکنندگان همچون دستورالعمل سال ۹۷ خواهد بود، گفت: آخرین مهلت بازگشت ارز سال ۹۸ آخر تیرماه سال ۹۹ خواهد بود.

با توافقات صورت گرفته میان بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت ایران، رفع تعهد ارزی صادرات سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود؛ ضمن اینکه مهلت بازگشت ارز حاصل از صادرات سال گذشته نیز ۳۱ تیرماه خواهد بود.

حمید زادبوم، رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران با بیان این خبر گفت: رفع تعهد ارزی صادرات در سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود و بر این اساس تلاشهای صورت گرفته میان بخش خصوصی و سازمان توسعه تجارت ایران با بانک مرکزی به ثمر نشست است.

شماره: 99/100/725
 تاریخ: 1399/01/24
 پیوست:

جمهوری اسلامی ایران
 وزارت صنعت، معدن و تجارت
 سازمان توسعه تجارت ایران

معاون وزیر امور بین الملل
 سازمان توسعه تجارت ایران

سال جهش تولید

همچنین بر اساس این گزارش شورای وزیران مقرر نمود:
 اداره امور گذرگاهها مرجع ناظر و کنترل کننده تمام بخشهایی است که در مرز فعالیت دارند. کلیه ادارات مستقر در مرز وظیفه دارند که با مدیریت مرز هماهنگی و انجام وظیفه نمایند، مگر در مواردی که خلاف قانون درخواستی مطرح گردد. کلیه اداراتی که در گذرگاههای مرزی از جمله بانک ها فعالیت میکنند موظف به کار ۲۴ ساعته می باشند و راهکار اجرایی شدن این موضوع را باید خود تدبیر نمایند. نقش سازمان گذرگاههای مرزی (نظارتی و امنیتی) باید به گونه ای باشد که بدون دخالت در جنبه های فنی مدیریت عبور مرزی را تضمین کند، با تأکید بر ارجاع تخلفات به مراجع ذیصلاح و موظف کردن آنها برای تشکیل پرونده با توجه به نوع تخلف و جرم مرتکب شده و تحویل مجرم به دادگاههای تخصصی صالحه.

ملاحظات و پیشنهادها:
 با آغاز شیوع ویروس کرونا در عراق دولت این کشور کلیه گذرگاههای مرزی مشترک با ج.ا.ایران را مسدود اعلام کرد. لیکن در عمل گذرگاههای مشترک با اقلیم کردستان بطور محدود تری امکان تبادل کالاها و تجاری را فراهم نمودند. افزایش قیمت کالا به دلیل کاهش واردات و همچنین عدم توان تأمین نیازهای مردم در زمینه مواد شوینده و بهداشتی، دولت عراق را مجبور به اتخاذ تصمیمات جدید در زمینه کاهش محدودیتهای وارداتی نموده است. به نظر میرسد با توجه به میزان مصرف داخلی برخی محصولات بهداشتی و درمانی و همچنین موادغذایی استفاده از این فرصت میتواند باعث توسعه صادرات به عراق و تحکیم جایگاه محصولات ایرانی در بازار عراق شود. خشتی سازی برخی تبلیغات منفی علیه کالاها و صادراتی ج.ا.ایران از دیگر پیامدهای مثبت این تصمیم خواهد بود. ۲۵۸۳۵۰

حمید زادبوم

رونوشت:
 جناب آقای فتح اللهی، مشاور محترم وزیر و مدیر کل دفتر وزارتی جهت استحضار.
 جناب آقای سیف، رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران جهت استحضار.
 جناب آقای ششمی، رئیس محترم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران جهت استحضار.
 جناب آقای عنایتی، مستشار محترم وزیر و مدیرکل خلیج فارس و وزارت امور خارجه جهت استحضار.
 جناب آقای موسویان، رئیس، مسئول ستاد ویژه مدیریت تجارت خارجی در شرایط کرونا.
 جناب آقای ربهیاری، معاون محترم بازرگانی ج.ا.ایران بر بغداد - عراق.
 جناب آقای کمانی، سرپرست محترم معاونت توسعه بازرگانی صادراتی.

تهران، خیابان ولیعصر (عج)، پلاک ۱۱۹، پ.م. ۱۹۹۹۹۱۳۶۵، تلفن: ۰۲۶۶۶۲۶۶، فکس: ۰۲۶۶۶۲۶۵، دورنگار: ۰۲۶۶۶۲۶۴ - ۰۲۶۶۶۲۶۳
 www.tsp.ir Email: info@tsp.ir

شماره: 99/100/725
 تاریخ: 1399/01/24
 پیوست:

جمهوری اسلامی ایران
 وزارت صنعت، معدن و تجارت
 سازمان توسعه تجارت ایران

معاون وزیر امور بین الملل
 سازمان توسعه تجارت ایران

سال جهش تولید

جناب آقای مدرس خیابانی
 قائم مقام محترم وزیر در امور بازرگانی
 موضوع: تصمیمات دولت عراق در خصوص کاهش آثار منفی شیوع ویروس کرونا بر زندگی شهروندان و گذرگاههای مرزی

بازگشت ارزی صادرات سال ۹۸ معادل سال ۹۷ خواهد بود

احتراماً، گزارش تصمیمات سومین جلسه کمیته عالی سلامت و امنیت ملی به ریاست سرپرست نخست وزیری (عادل عبدالمهدی) که در روز سه شنبه مورخ ۲۰۲۰/۰۴/۰۷ برابر با ۱۳۹۹/۰۱/۱۹ برگزار و دفتر نخست وزیری آن را اعلام نموده، واصله از رابین بازرگانی کشورمان در بغداد به شرح ذیل جهت استحضار اینفاد می گردد:

بر اساس گزارش مذکور این شورا در مورد وضعیت بهداشتی و درمانی کشور و تأثیرات اقتصادی متأثر از منع آمد و شد و راه های رسیدگی و کاهش اثرات آن بر زندگی شهروندان تشکیل تصمیم گرفت:

۱) معافیت پرداخت مبلغ اقساط و سود تأخیر ناشی از دریافت هزینه های خرید زمین ها یا اجاره ی واحدهای مسکونی فروخته شده به شهروندان مطابق قانون فروش و اجاره صندوق های دولتی شماره (۲۱) سال ۲۰۱۳. تا زمانی که وضعیت اضطراری به حالت عادی برگردد مشروط به اینکه از تاریخ ۲۰۲۰/۰۷/۳۱ بیشتر نشود.

۲) معافیت از پرداخت اجاره مستاجرین تجاری، صنعتی یا سایر املاک و مستغلات به شهرداری ها در طول مدت زمان وضعیت اضطراری

۳) تمدید مدت زمان پرداخت هزینه ها (اجاره یا فروش آپارتمان) به مالکین برای یک دوره ۳۰ روزه پس از اتمام وضعیت اضطراری

۴) تمدید مدت زمان پرداخت معاملات مسکن فروخته شده به شهروندان مطابق با مفاد ماده (۲۵) (سوم) قانون فروش و اجاره صندوق های دولتی شماره (۲۱) سال ۲۰۱۳، که خریدار در دوره قانونی به دلایلی فراتر از کنترل خود نتوانسته است آن را پرداخت کند، از جمله اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹. برای مدت بیش از ۳۰ روز پس از بین رفتن شرایط اضطراری، به شرط آنکه بیشتر از تاریخ ۲۰۲۰/۰۷/۳۱ نشود.

۵) تمدید مدت زمان تسویه حساب مبالغ ارضی مسکونی فروخته شده به شهروندان مطابق مقررات قانون فروش و اجاره صندوق های دولتی شماره (۲۱) سال ۲۰۱۳ که مصادف با تسویب و فروش آنها شده است، برای مدت (۳۰) روز پس از پایان شرایط اضطراری، به شرط آنکه این مدت بیشتر از ۲۰۲۰/۰۷/۳۱ نباشد.

۶) معافیت ساکنین و مستاجرین املاک تجاری یا صنعتی متعلق به موسسات شهرداری یا سایر افراد از پرداخت هزینه خدمات نظافت برای مدت زمان وضعیت اضطراری.

۷) ایجاد ساز و کارهای مناسب و به منظور اجرایی نمودن موارد فوق توسط روسای دقتر اوقاف، وزیر دارایی، وزیر آبرین، شهرداریها و کار

تهران، خیابان ولیعصر (عج)، پلاک ۱۱۹، پ.م. ۱۹۹۹۹۱۳۶۵، تلفن: ۰۲۶۶۶۲۶۶، فکس: ۰۲۶۶۶۲۶۵، دورنگار: ۰۲۶۶۶۲۶۴ - ۰۲۶۶۶۲۶۳
 www.tsp.ir Email: info@tsp.ir

مسیرهای اقتصادی پس از عبور از بحران کرونا؛

مقدمات یک رکود جهانی



درباره بیماری‌های همه‌گیر در تاریخ در دست داشتند، تنها نظاره‌گر بودند به این امید که راه حل اولیه، یعنی همان حفظ فاصله اجتماعی که هم موثرتر بود و هم کم‌هزینه‌تر، جواب دهد. اما حالا، همزمان که بیماری در مسیر خود پیش می‌رود، هزینه‌های اقتصادی بیشتر شده و پیش‌بینی آینده تقریباً غیرممکن، چرا که ابعاد این بحران هم بی‌سابقه است و هم ناشناخته. در این دوره ابهام‌آمیز، صحبت درباره رکود جهانی باعث می‌شود اوضاع را کمی شفاف‌تر ببینیم و از تعیین انتظارات و پیش‌بینی‌ها در شرایط رشد اقتصادی منفی، کمی فراتر برویم. مهم‌ترین مسائلی که باید به آنها بپردازیم از این قرارند: مسیر شوک و احیا به چه شکلی خواهد بود؟ آیا اقتصادها قادر به بازگشت به

همزمان با گسترش کرونا در سراسر جهان، دولت‌ها برای حفظ سلامت عمومی به اقداماتی روی آورده‌اند که تاثیرگذاری‌شان اثبات شده، مثل روش فاصله‌گذاری اجتماعی تا فاصله فیزیکی افراد، تا مانع از شیوع ویروس شوند. اما همین اقدامات، در گردش کالاها و افراد اختلال ایجاد کرده، اقتصادها را متوقف کرده و دارد مقدمات یک رکود جهانی را فراهم می‌کند. در حال حاضر، بحران اقتصادی نیز درست مثل خود ویروس و با همان سرعت در حال گسترش است. حتی چند هفته پیش هم کسی فکرش را نمی‌کرد که کار به اینجا بکشد.

وقتی ویروس شروع به گسترش کرد، سیاستمداران، سیاست‌گذاران و بازارها بر اساس اطلاعاتی که

سطح خروجی اقتصادی قبل از کرونا خواهند بود؟ آیا امکان بازگشت به نرخ رشد قبلی وجود خواهد داشت؟ آیا از بحران کرونا، یک میراث ساختاری به جای خواهد ماند؟ به عبارت دیگر، آیا این بحران، ممکن است ساختار اقتصاد را برای همیشه تغییر دهد؟

دورنمای تاریک‌تر، دید کمتر

طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، تنها راهکار موثر و شناخته شده برای مقابله با این بیماری، برای مدت معینی جواب خواهد داد. در استان هوبی چین، از این راهکار استفاده نشد، اما بقیه شهرهای چین از آن غافل نشدند. در ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی نیز، این روش در ابتدا جدی گرفته نشد. در ایالات‌متحده که در روزهای اول، هنوز با محدودیت‌ها و کمبود کیت مواجه بود نیز، این روش چندان جدی گرفته نشد. همزمان با تکثیر بیماری، فاصله‌گذاری اجتماعی باید به‌طور گسترده‌تر و برای مدت طولانی‌تر و به‌صورت یک قانون به اجرا درآید تا همان قدر موثر باشد که ویروس، روی اقتصاد تاثیر گذاشته و باعث توقف فعالیت‌های اقتصادی شده.

احتمال موج جدید ابتلا به کرونا همچنان وجود دارد این یعنی حتی کشورهایی که در مهار بیماری، نسبتاً عملکرد سریعی داشته‌اند، هنوز هم در خطرند: هر زمان که فعالیت‌های اقتصادی را دوباره از سر بگیرند. در اواسط ماه مارس، گزارش‌ها حاکی از شیوع مجدد ویروس در سنگاپور و هنگ‌کنگ بود. به همین علت، تنها گذر زمان مشخص می‌کند که آیا واکنش‌های اولیه و تهاجمی این کشورها برای مقابله با ویروس، نتیجه‌بخش بوده یا نه.

در حال حاضر، دورنمای اقتصادی برای کشورهایی که دیر دست به کار شده‌اند، اصلاً خوشایند نیست

و همین باعث شده سیاستمداران، سیاست‌گذاران و بازارهای مالی، غافلگیر و سردرگم شوند. اتفاقی را که طی دو ماه گذشته افتاده هیچ کس پیش‌بینی نمی‌کرد و در محاسبات ریسک هیچ سازمانی، نیامده بود. در حال حاضر، پیش‌بینی‌ها هیچ کمکی نمی‌کنند. مثلاً آمارها تخمین می‌زدند که درخواست کمک هزینه بیکاری در ایالات‌متحده در هفته آخر مارس، حدود ۱/۶ میلیون خواهد بود اما بعد از ماجرای کرونا، این رقم به ۳/۲۸ میلیون افزایش یافت که در تاریخ بی‌سابقه است. پیش‌بینی‌ها که حتی در حالت ایده‌آل هم قابل اعتماد نیستند، حالا کاملاً مشکوک به نظر می‌رسند، به‌خصوص که جنبه‌های ناشناخته این بحران، یکی دو تا نیست، از جمله:

- ویژگی‌های ویروس هنوز کامل شناخته نشده و ممکن است تغییر کند.

- نقش بیمارهای بدون علائم، هنوز کاملاً معلوم نیست.

- بنابراین، نرخ واقعی ابتلا و ایمنی هنوز نامشخص است، به‌خصوص وقتی امکانات برای تست، محدود است.

- در واکنش‌های سیاستی، ناهماهنگی، تاخیر و خطاهایی وجود خواهد داشت.

- واکنش‌های شرکت‌ها و خانوارها نامشخص است. شاید تنها چیزی که با اطمینان می‌توان گفت این است که هر گونه تلاشی بر اساس برآوردهای قطعی، شکست خواهد خورد. اما ما فکر می‌کنیم که آزمایش سناریوهای مختلف، در این فضای گریگ و میش، می‌تواند ارزشمند باشد.

آزمایش: این شوک چه شکلی است؟

رکود، یک مفهوم مبهم و دوگانه است. تنها چیزی که به ما می‌گوید این است که پیش‌بینی‌ها،

مالچ پاشی نفتی در دشت آزادگان

دو ماه از مالچ پاشی نفتی در «بیت کوصر» دشت آزادگان در غرب خوزستان می‌گذرد. حالا صدها هکتار از تپه‌های ماسه‌ای منطقه سیاه پوش شده است. مالچ پاشی نفتی از نیم قرن پیش در خوزستان برای مهار شن‌های روان و در سال‌های اخیر به بهانه مهار کانون‌های ریزگرد اجرا می‌شود. به گفته فعالان محیط زیست «بیت کوصر» نه تنها کانون گرد و غبار نیست بلکه زیستگاه‌ها بیابانی بارزشی است که گیاهان، پرندگان، خزندگان و پستانداران خاصی در آن زندگی می‌کنند و پاشیدن مالچ نفتی حیات همه جانداران منطقه را تهدید می‌کند.

